

# ضمیمه سو سیالیم ۳

## ویژه مباحثات

با انتظاراتی که در این باره با جمله سلطنت به مقر راهبردی چهارم  
 بهمن ماه ۱۳۴۰ با کاهش سطح فعالیت انقلابی ماه با از میان بردن —  
 اعتماد رفیقانه در صفوف ما ویا لاف با از کار افتادن کمیته مرکزی  
 سازمان بوجودیست خود را اعلام ناعت. مهتر آنکه این بحران اکنون —  
 به چنان درجه‌ای از رشد خود رسیده است که ادامه فعالیت و زندگی  
 مشترکمان را به عبور گرفته غیر ممکن ساخته و حل فطری آنرا طلب  
 میکنند. ما به جانی کفیده عدمی که می باید به عبور محلی — بود —  
 کراتیک حیات خود با بیان بخدمت چگونه؟ به دو طریق: با با اطلاق  
 سازمان و با با هی ریزی تفکراتی مبتنی بر اصول سوسیالیسم دمکراتیک —  
 تک. با زوال و نابودی سازمان با پایه گذاری یک سیستم تفکراتی  
 حزبی.

### چه کسانی انقلاب سازمان را پیوسته کرده اند

در گذار از زندگی ماقبل حزبی و عبور کار محلی بنوی تفکرات  
 حزب تدوین طرح برنامه سازمان گامی به پیش محبوب می نمود اما  
 اقتضای خواهد بود هر آنچه تصور نمود که عبور این گام برپاری نیست  
 بوده است و ماحصل آن وحدت بختیدن به صفوف مدافعان راستین خط  
 پرولتری. البته هنوز این طرح برنامه به تصویب بالاترین ارگان  
 سازمانی یعنی کنگره نرسیده است و چه با تا تصویب نهائی آن راهی  
 طولانی در پیش باشد اما نمی توان انکار کرد که تدوین طرح برنامه  
 معمول یک مبارزه ایدئولوژیک حاد درونی بلکه به نظر نتیجه بالایی  
 مکانیکی سازمان از حاکمین نظرات مخالف بوده است. نتیجه انقباض  
 ها و تنهال تولید بوده است. حاصل کمکها در بالا در میان رهبران  
 در صفحه ۲

در ضمیمه سو سیالیم این شماره یک مباحثه و یک نامه از یک رفیق برج  
 ستود "بحران رشد یا بحران انحطاط" که توسط یکی از رفقای هسته  
 نوشته شده در حقیقت نامه‌ای بود که توسط رفیق در کوران بحران ساز-  
 مانی غالب به رفقای تشکیلات تنظیم شده بود و بطلت خوانی که بر سر  
 راه مبارزه ایدئولوژیک از طریق قطع ارتباطات بعمل آمده بود —  
 تشکیلات داده شد. لذا توجه به تاریخ نگارش نامه که منعکس کننده —  
 شرایط مبارزاتی در آن زمان می باشد ضرورت دارد. نامه یک رفیق که  
 خطاب به هسته اقلیت است از اینرو در ضمیمه سو سیالیم بجای می رسد  
 که شکی کننده انتظارات هواداران از یک سازمان سیاسی و در این  
 مورد خاص از هسته اقلیت است و در همین حال بازگو کننده شواهدی است  
 که در بین هواداران وجود دارد و تا اکنون می باشد مانده است. سایر  
 شماره های ۲ و ۳ سو سیالیم به بخش از این سوالها پاسخ داده ایم و  
 هنوز سوالهای بی پاسخی در نامه رفیق بچشم می خورد که در آینده به  
 آن خواهیم پرداخت.

### بحران رشد یا بحران انحطاط

رفقا!

بار دیگر تشکیلات ما دستخورد بحرانی همه جانبه شده است. بحرانی  
 که پیوسته در درون تشکیلات ما به رشد آرام و بی وقفه خود ادامه  
 میداده بحرانی که لیبجانه و بی لیدانه انکار میگردید و علمبرغم آن

### نامه یک رفیق

رفقای هسته اقلیت

بی گمان تفاوت کردن در مورد هسته اقلیت و چگونگی کارکرد آن  
 طی دوره کوتاه اعلام موجودیت در حالیکه تنها شماره نخست نشریه  
 "سوسیالیسم" انتشار یافته است و اراده نظرات هسته در مورد برخی  
 از ساهل اساسی به آینده موقوف شده است، نمیتواند موضوع مسرود  
 بحث من در این نوشته باشد. با این وجود من بعنوان یکی از هواداران  
 سازمان که ترابط کثرتی از هیچ یک از جناحهای انقباضی بحثیانی  
 نیستیم، خود را مقید میدانم در مورد مطالبی که در نشریه —  
 "سوسیالیسم" درج شده است در مورد برخی از خواسته ها و انتظارات  
 تم از نشریه "سوسیالیسم" توضیحاتی ارائه دهم و بر سهایی مطرح کنم.

در بخش اول نوشته که به نقطه نظرات تشویک هسته اقلیت مربوط —  
 است من نمی خواهم کرد که نقطه نظرات فردی خود را مطرح کنم. اما  
 در بخش دوم که به نشریه "سوسیالیسم" و هسته اقلیت اختصاص داده  
 می گویند خواهم کرد از این محدوده فراتر روم و نقطه نظرات شخصی  
 خود را همین در نظر گرفتن بحث های کلیای که در مورد هسته اقلیت  
 وجود دارد طرح کنم و بیادگر مطالبات و خواسته های ما هم که در سطح  
 وسیعتری در بین هواداران سازمان وجود دارد.

\*\*\*

بخش اول: در باره نقطه نظرات تشویک هسته اقلیت

شماره نخست "سوسیالیسم" با پرداختن به چند سئله اساسی  
 چون نقطه نظرات توکل و کمیته خارج در مورد اردوگاه توضیح کلیسی  
 اعلی بحران در سازمان (در نوشته گزارش به هواداران) و برخورد به  
 نظریه جدید توکل در مورد حزب توده کار خود را آغاز کرد.

در نوشته "بولتن ۸: گزارش هم راست در تقابل با بهلیسم" که  
 در صفحه ۶

# فصلنامه سوسیالیسم

## بحران رشد یا بحران انحطاط

تنوریک سازمان بوده است نه نتیجه دست‌هایی اصولی تفکلات که جز از طریق مبارزه ایدئولوژیک عملی نمی‌گردید. بدین ترتیب در شرایط فعلی حتی تصویب این طرح برنامه در کشور نمی‌تواند به معنای وحدت بخشد به صفوف نیروهای سازمان تلقی گردد. چه رسد به اینکه نقش مورد نظر را در وحدت بخشد به جنبشی کمونیستی اینجا نماید. این نتیجه‌گیری به معنای نفی کارکرد گذشته‌مان نیست و بیان یک حقیقت آشکار است. زیرا که ما برای دست‌هایی به طرح برنامه سهل‌الوصول‌ترین راه را برگزیدیم به ابزارهای محلی انکار کردیم و در واقع کوچک‌ترین خود را از مشقات بحران به‌ساده‌ترین شکل ممکن غافل ساختیم. در اینجا همیشه بر سر رد یا پذیرش انشعاب نیست و صحبت بر سر آن نیست که همه گرایش‌ها موجود در سازمان را می‌توانستیم در یک قالب نگاه داریم و صحبت بر سر اینست که سیر جدائی‌ها چگونه پدید آمده است. ارتقا آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک توده‌ها و تفکلاتی، کادر سازی، کسب انوریته سالم و وحدت و انجام درونی را بی‌آورد است؟ یا تضعیف سازمان راه سیر دست‌هایی به خط و برنامه - غیر هدفمند طی گردید. سازش‌های غیر اصولی برای سرپوش نهادن بر اختلاف نظرات صورت گرفت و جنجال آن‌رئینی و غوغا پراکنی پس از هر جدائی چاغی آن‌سبک کار گردید. اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک - رت موضوعی برای افتخار گری در آمد. در اینجا بد نیست به ذکر نقل قولی از لنین بپردازیم تا سرمنشا اینگونه برخوردها روشن شود لنین در "یک گام به پیش دو گام به پس" می‌گوید: "چیزی را که عموماً محفل بازی برای ما بسیرا گذارده است، انشعاب‌های فوق‌العاده - سهل‌الوصول و رواج فوق‌العاده تضعیف این قاعده است که با سه معاش یکوب و یا کمتر را بیوس" بلکه برای همه ما قاعده‌ای بسیار آغشاست: با سه معاش یکوب و یا بیشتر را بیوس. همین قاعده است که به کوشش مرکزی ما کمک کرد تا سیاست کج‌بار و مریز را در رابطه با بحران پیش برد. همین قاعده است که کمیته مرکزی ما را مجاز ساخت تا در مورد آن سیستم فکری که مهدی‌سامع نمایندگین می‌کرد سکوت کند و بعد یکبار اعلام نماید که او خائن بود و حامل چه گرایشی بود. همین قاعده است که سکوت در مورد تدارک حمله سلحشانه به مفسر رادیو و مقاصد ژنرال‌های شکست‌خورده آن (باند مدنی - جنبانی کرا) امری بسیار بدیهی و موجه و مکرری ساخت نگونید ما مبارزه ایدئولوژیک کردیم. آنچه که تحت این عنوان انجام گرفت در واقع نوحه‌داری - پس از مرگ سهراب بود. این دیگر محصول ندانم کاری و با عدم توان - ایدئولوژیک ما نبود بلکه حفظ همان شماتر محفل بازی بود. مبارزه با محفلیم با استفاده از ابزار محفل - فکر می‌کنید به چه چیز بیانجامد؟ به بوروکراتیسم محفل - و چنین نیز شد. کمیته مرکزی - سیستم بوروکراتیسم محفل را به کمال رسانید.

قبل از آنکه دوران اوج سیستم بوروکراتیسم محفل را رها کرده و به

دوران خمینی آن به‌درازیم بهتر است ببینیم سیستم مذکور در مناسب‌ترین شرایط یعنی در دوره رونق خود چه عملکردی داشت. اینها نیز از یاد نبریم که شرایط نفواری و محلی مبارزه بستر مناسبی بود برای گسترده‌ترین این سیستم و مبارزه با افراد منفی‌های روشنفکرمانا به نیز. توجهی برای آن نماید برجسته‌ترین عملکرد سیستم مورد بحث در این دوره آن باشد که کمیته مرکزی یعنی ارگانی که اساسنامه را تنظیم و تکمیل نمود از اجرای اساسنامه سر باز زد و بسیار آنان آنرا به یاد فراموشی سپرد. گزارش‌گیری البته انجام گرفت ولی گزارش‌دهی از ارگانهای بالاتر به ارگانهای پائین‌تر تقریباً میتوانم بگویم غیر - کمیته مرکزی با از ارائه گزارش جلسات خود به تفکلات خودداری نمود و با برای رفع تکلیف به دادن گزارشی سرودم بریده لغات کرد. تصور نکنید که این امر مورد انتقاد مکرر تفکلات قرار نگرفت بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و بسیار باره آن انتقادات نامیده انگلیشه شد. آنها اینگونه برخوردها از جانب کمیته مرکزی غیر تفکلاتی نبود؟ غیر برخورداری غیر تشکیلاتی نبود. زیرا که کمیته مرکزی ما نه اعتقادی به توده تفکلات داشت، نه اعتقادی به اصول غیر قابل انکار سانترالیم دمکراتیک و نه اعتقادی به جلب حمایت آگاهان توده‌های تفکلات بیشتر آنکه هدایت‌کننده یک سیستم کاملاً بوروکراتیک بود و در چنین سیستمی برخورداری جز این غیر تفکلاتی بحساب نمی‌آمد. البته اساسنامه ما فقط به گزارش‌گیری و گزارش‌دهی محدود نمی‌شود. انتقاد و انتقاد از خود را در نظر بگیرد. هنگامیکه بالاترین ارگان سازمان در نامله دو کشور یعنی کمیته مرکزی، از اجرای این اصل خود داری ورزد چگونه انتظار دارید که ارگانهای پائین‌تره - انتقاد و انتقاد از خود را در تمامی سطوح فعالیتشان بکار ببندند. اصلاً برای چه بکار ببندند؟ وقتی که خود فاقد تحرک، فاقد ابتکار هستند و به سبب صرف فرامین صادره از بالا تبدیل شده‌اند. به محافظه کاری تشویق شده‌اند و بدنبال روی نرغیب - عملاً به سکوت دعوت می‌شوند به تشکیک جتن به پذیرش داوطلبانه اعتماد کورکورانه. آنگاه باید معجزه‌ای بوقوع می‌نویسند تا در چنین سیستمی با چنین مکانیسمی کار - های کمونیست پرورش یابند. محاسن منفی در افراد رویه رشد نگارند و تحرک و پویائی جایگزین فرسودگی ناشی از خرد کاری و با انفعال - گردد. اما ببینیم سیستم بوروکراتیک - محفل به کیا انجامید. به آنجائی که خود خوبش را نفی نمود. آنهم در آستانه گذرگه‌ای که برای تشکیک سیستم مذکور فراخوانده شده بود. ممکن است بگویند که آن گذرگه دگرگونی مای اساسی صورت می‌گرفت و اساسنامه‌ای تصویب می‌گردید که با همه ضعف‌های این تشکیلاتی و معیارهای حزبی نسبت می‌کند. اما مگر همین اساسنامه در خطوط کلی خود در گذرگه اول تصویب نگشته بود؟ آنها سکن است که عالی‌ترین ارگان سازمان یعنی کمیته مرکزی با فتن همین اساسنامه موجودیت یابد و آنگاه بانی تغییرات - ژرف‌شود؟ اساسنامه شرایط تفکلات گذرگه را مشخص نموده است. گفته است که این عالی‌ترین ارگان می‌باید از نمایندگان هر واحد سازمان

## بحران رشد یا بحران انحطاط

( هفت - کسبت بخش - کسبت منطقه ۱۰۰۰ ) تشکیل نمود. بجای آن جمع اعدای سازمان فراخوانده شد. مسکن است بگویند که ما آنقدر عضو نداشتیم که قادر به انتخاب کردن و انتخاب دادن باشیم و نمایندگان شان را خود برگزینند، کاندیداهای عضویت نیز که ملاحظه میشود این امر نظیر را نداشتند تازه اگر به کاندیداهای عضویت حق انتخاب کردن نمایندگان شان را می دادیم اساساً نه نفسی می گردید؟ ( نفسی اساساً نه؟ مگر مسکن است؟ بله برای آن کسبت مرکزی که تفکیک واحدای سازمانی تربیت کارهای جدید و پرورش کاندیداهای عضویت را جزاً لاینجزای تدارک برای کنگره سازمان نمی دانست هیچ استدلالی جز این باقی نمی ماند.

بولتن میاشات شماره ۸ و شان در کسبت مرکزی

با توجه به سنتجا افتاده کسبت مرکزی مبنی بر گزارش گیری - آری، گزارشی نه و با توجه به اینکه کسبت مرکزی حتی در آستانه کنگره از ارائه قلمنامه ها به اعدای شرکت کننده در کنگره خودداری کرده فهم این مسئله مشکل است که اختلافات از چه هنگام آغاز شد. اما درک این نکته مشکل نیست که ریشه این اختلافات نه صرفاً ناشی از میا - نی سیاسی - ایدئولوژیک متفاوت بلکه در عملکرد محفلی مرکزیت جای دارد. محفل یکسپارچه مورد ملاحظه جدی قرار گرفته بود. کسبت مرکزی که خود این سیستم را به کمال رسانده بود اکنون این وظیفه را داشت که انحطاط و فروپاشی آنرا اعلام دارد. البته نه برای تضمین سیستم بلکه برای حفظ آن دقیقاً توکل در این میان پیشقدم گردید. او در نهایت که " این ساعت از یکسو به سانترالسم - بوروکراتیک و از سوی دیگر - خودمختاری و لیبرالسم انجامیده است. ( توکل = مایل مورد اختلاف ) از دیدگاه او سانترالسم - بوروکراتیک را میتوان تحمل کرد ( کما اینکه تا کنون تحمل کرده است ) اما خودمختاری را چه کند؟ همان خودمختاری که با موجودیت سیستم مطلوب او که همانا سیستم محفلی - بوروکراتیک است در تناقض آشکار قرار می گیرد. بهر حال - موضوع جدی تر از آن بود که رفیق توکل آرام بنشیند و منتظر کنگره بماند. بخصوص که " شیوه کارکردی مرکزیت " نیز او را به تنگ مسی آورد. اینکه چرا چاپ مقاله " متحدین پرولتاریا در عرصه بیسم - المللی " به انتظار محفلی بولتن شماره ۸ انجامیده از این جنبه حائز اهمیت است. اما سواى این نه نمی توان انکار کرد که رفیق توکل بسا نوشتن مقاله " متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی " این هدف را تعقیب میکرد که در گرناگرم رواج " شیوه کار فردی مرکزیت " خود شناری را در محیط کار خود یعنی در نشریه " کار " به اوج برساند با گام های سرهمی پست راسته اطاعت کورکورانه تفکلاتی را بسا متابعت ایدئولوژیک تکامل بخشد. کما اینکه فرمول کلی تصویب شده در کنگره اول در باره متحدین جهانی پرولتاریای ایران به او اجازه - چنین اقدامی را می داد. علت استفاده رفیق توکل از امر اخیر نیزه

مبنی دلیل بود. قلمنامه مذکور در کنگره اول میگوید: " جنبش های رهایی بخش ملل تحت ستم، اردوگاه سوسیالیستی و پرولتاریای کمورهای سرمایه داری متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی هستند. اولاً این فرمول به نفعی میگویند خط و مرزی را در رابطه با اردوگاه سوسیالیستی ( بالاسر ) مشخص نمیکند و بعلاوه این فرمول بندی منمکن کننده آن بود که نظرات متفاوت در سازمان حول آن کلمات توافق ندارند اما روشن است که گرامشات متفاوتی در آن قالب جای میگرفت و هنوز هم میگرد رفتی از کلمات بیرون آمده و به برغورد محض بهر دوازدهم روشن میشود که هر کس از این متحد خود درکی دارد فی المثل نگارنده این طور معتقد است که اردوگاه سوسیالیسم متحد بین المللی، مسأله محسوب میشود اما بعلمت کار کرد انحرافات آن متحد بالفعل ما نیست. بطور بالقوه متحد ماست بطور بالفعل نیست. باز هم باید گفت که از فرمول مذکور مستفاد نمیشود که انحرافات اردوگاه سوسیالیسم گرامش است یا خط. پس گرامشات مختلف درون سازمان با رعایت همین فرمول میتوانند مواضع کاملاً متفاوتی بگیرند. رفیق توکل در مدد بر آمد که از همین روزنه وارد نمود و به بن بست تشکیلاتی نیز حائز به شد. بخصوص که میدانست " کسبت خارج از کشور " درکی متفاوت از درک او در مورد متحدین خود دارد.

رفیق توکل که پس از ۵ سال بیاض آید هواداران درک درستی از متحدین خود ندارند و مبارزه خود را بر علیه امپریالیسم و ارتجاع دوش بدوش اردوگاه سوسیالیسم پیش نمی برند، ظاهراً برای باز کردن فرمول بندی کنگره اول و در واقع برای پیشبرد نظرات محض امر که اینها هدف تظیر اردوگاه سوسیالیسم از انحرافات را در برداشت آنچنان طریقی میباشند را پیمود که بقول معروف از حول طلم در دیدگاه افتاده. مقاله " متحدین پرولتاریای ایران در عرصه بین المللی " میگوید:

" هر سازمان انقلابی و دولت انقلابی و اتحادیه همکاری و همبستگی بسا

این سه نیرو را مبنای سیاست خارجی خود قرار میدهد. این همان سیاست خارجی است که در برنامه سازمان نیز تحت عنوان اتحاد و همکاری با اردوگاه سوسیالیسم جنبش انقلابی پرولتاریای کمورهای سرمایه داری و جنبش های رهایی بخش ملل های تحت ستم فرمول بندی شده است. " ( تاکید از ماست ) برای روشن شدن این موضوع که رفیق توکل تحت عنوان دفاع از مواضع سازمان متابعت از نظرات محض امر را ترویج میکند بیروسم گام بگام او را دنبال کنیم و ببینیم که منظور او از " هر سازمان انقلابی " کدام سازمان ها هستند. کار مفکلی نیست. کافی است که به برنامه یکی از این سازمان های انقلابی " یعنی حزب توده مراجعه کنیم. حزب توده در برنامه خود میگوید: " حزب توده ایران دفاع از سیستم جهانی سوسیالیسم جنبش کمونیستی و کارگری در جهان سرمایه داری و - جنبش های آزادیبخش ملی و ضد امپریالیستی را از جمله وظایف انترناسیونالیستی خود میدانند. " ( دنیا ۲۸/۲۶۵ برنامه حزب توده تصویب شده در کنفرانس ملی )

رفیق توکل میباید معتقد باشد که هر نیروی همانند او هنگامی انقلابی خوانده میشود که اتحادیه همکاری و همبستگی با آن سه رکن را -

# فهیجه سو سیالیسم

## بحران رشد یا بحران انحطاط

بدون قید و شرط پذیرفته باعد رفیق توکل مجاز است که پارا از اینهم فراتر نهاده و انترناسیونالیست بودن را نه در عمل یعنی به قول لنین از طرفین « کار بهدریغ در راه توسعه جنبش انقلابی در کشور خوبتر و پشتیبانی از راه تبلیغات و ممدردی و کمک مادی از این مبارزه بلکه در عرصه <sup>سیاسی</sup> جهانی ارزیابی کند: رفیق توکل مجاز است چنین گامهایی بر دارد ولی مجاز نیست که همراه ارادین بخواهد بجای پذیرش آگاهانه نظرات وی متابعت را پیشه کند. توجه کنید ما قیامت سیم ما نبل حزبی بورو- کرانیم - محفلی به کبابی العیاد:

« رفتای مواد سازمان باید در کلمه نمائیت های انقلابی خود از این سیاست خارجی سازمان متابعت نمایند» (تاکید از ماست)

بله این دیگر استنزال سیم بوروگراتیک - محفلی است - نه فقط ابتدا آن - بلکه آغاز فروپاشی آن است - این دیگر عانس اپورتونیسیم راست بود که نقطه اختتام سیم منط را اعلام کند - رفیق توکل اما می گوید: « مسئله متحد یک چیز است و مسئله نائید همه سیاست های متحد چیز دیگر » همانند آنست که <sup>کمی</sup> برای هموار گذاختن راه به منظور دنبال روی بگوئیم مسئله اتحاد یک چیز است و مسئله پلاتفرم برای اتحاد یک چیز دیگر !!

بازگردیم به همان روزگه مورد استفاده رفیق توکل یعنی به فرمولینگ کنگره اول که در بخش سیاست خارجی برنامه سازمان آورده شده است - رفیق توکل برای آنکه ثابت کند که مسئله متحد یک چیز است و مسئله نائید همه سیاست های متحد چیز دیگر و برای آنکه گریبان خود را از ترسیم خط و مرز خلاصی کند مدام به آن فرمول متوسل میشود و ضمنا می گوید که « اردوگاه سوسیالیسم بشنا به جزئی از این جریان واحد انقلابی - ضد امپریالیستی و سینه در همه جا و در همه حال متحد بین المللی طبقه کارگر محسوب میشود » (بولتن ۸)

ضمنا این قانونمندی در مورد اجرای دیگر جریان واحد انقلابی - ضد امپریالیستی یعنی در مورد جنبش های رهایی بخش و جنبش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری نیز صدق میکند آیا اتحاد با جنبش های - رهایی بخش در بعد کلی بمعنای اتحاد بدون قید و شرط در بعد معنی است - همیشه موضع گیری لنین در این مورد چیست؟

« ما کمونیست ها فقط زمانی باید از جنبش های بورژوا - آزادی بخش در مستمرات پهنجانی کنیم و پیشتهانی خواهیم کرد که این جنبش ها جهتنا انقلابی باشند و نمایندگان آنها جلوی ما را در آموزش و سازما - ندی انقلابی دهقانان و نودهای استثمار عوده نگهردند - اگر این - شرایط وجود نفاخته باعد کمونیست های این کشور ها باید با بورژوازی رفورمیست که رهبران انترناسیونال دوم نیز از آن جمله اند مبارزه کند»

لنین مجموعه سخنرانی ها در کنگره های انترناسیونال کمونیستی (تصادفی نیست که رفیق توکل کماکان بر کلی گوئی اصرار دارد و از هر خورد سخن با مقوله متحدین پرهیز میکند بیای ترسیم خط و مرز پذیرش بدون قید و شرط را فرار میدهد - همیشه در همه جا و در همه حال

را میگذارد و همین ه خود مفهوم خاصی دارد و آن عبارتست از نائید همه سیاست های متحد - دیگر نمی تواند مدعی بود که مسئله متحد یک چیز است و مسئله نائید همه سیاست ها و متحد یک چیز دیگر - هر طبقه اختلاف رفیق توکل ما باید از همه جنبش های رهایی بخش در همه جا و در همه حال و همیشه حمایت کنیم و اگر نه فرمول ایمان بهم می خورد - طرح جالبی است اما بدیع نیست -

جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری را در نظر بگیرد - مانیفست کمونیست موقع روشنی دارد:

« قری کمونیست ها با دیگر احزاب پرولتاری تنها در این است که از طرفی ه کمونیست ها در مبارزات پرولتاری های ملک گونگون ه صالح مشترک همه پرولتاریا را صرف نظر از منافع ملیتان در مد نظر قرار می دهند و از آن دفاع می نمایند و از طرف دیگر در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی می کند آنها همیشه نمایندگان معارض و منافع تمام جنبش هستند -»

اگر بخواهیم از اوامر رفیق توکل متابعت کنیم و در همه جا در همه حال و همیشه از جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری دفاع نمائیم یعنی کاری به مضمون آن مبارزات ندانیم باقیم و صالح معترک همه پرولتاریا را در نظر نگهیم نه تنها انترناسیونالیست نخواهیم بژ بلکه در بهترین حالت اکونومیست فابی خواهیم عد کما اینکه در همان طرح برنامه سازمان نه از جنبش کارگری در کشورهای سرمایه داری - بطور کلی بلکه از جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری صحبت شده است -

ممکن است رفیق توکل بگوید که این دو رکن جز - سوسیالیسم محسوب نمی شوند و برخوردار با اردوگاه سوسیالیسم را نمی توانیم با آن دو نیرو یکی فرض کنیم - اگر چنین باعد مگر میتوان گفت که قانونمندی ما برای دو رکن از نیروهای انقلاب جهانی با قانونمندی برای رکن دیگر (یعنی اردوگاه سوسیالیسم) اینقدر متفاوت باعد که با یاد و ضرب المثل یک پیام و دو هوا گردد - مگر خود ایمان در بولتن مباحثات ۷ با گریهات موجود در جنبش کمونیستی مرز بندی نکردند و مگر در طرح برنامه همین مرز بندی بیفک زهر در نفاخته است - « بگانه خط انقلابی ما - کیستی - لنینیستی که ما مدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم - لنینیسم را بگانه ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش سر کنونی به عنوان عمر انقلابات پرولتری و نیز انقلاب قهری ه دیکتاتوری پرولتاریا - با اردوگاه سوسیالیستی بشنا به مستعدجانی پرولتاریا با - اورو - کمونیسم - « ترتکسیم « خروچیم « و تمامی الحرفات مصونسه های کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی ( نظیر گذارصالحت آمیزبه سوسیالیسم - تز راه رعد غیر سرمایه داری خروچینی ه رقابت - اقتصادی به عنوان سهمین قلمرو نبرد در اردوگاه دولت و حزب - عموم خلق ... ) و نیز مواضع استراتژی - جهان و احیا - سرمایه داری در شوروی ه مرز بندی قاطع دارد -

- از اینرو خط مارکسیستی - لنینیستی و انقلابی پرولتری ما هر حقیقا اتحاد و همکاری نام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی ه معنی و

## بحران رشد یا بحران انحطاط

مبارزه قاطعانه با خلوط اپورتونستی - رفرمیستی و سوسیال دموکراسی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد و مبارزه ایدئولوژیک با جریان‌هایی که به گرایش‌های انحرافی روزهیونستی دچار شده‌اند استوار می‌باشد. (طرح برنامه)

این نقل قول خلوط از آنرو آورده شد که نشان داده شود رفیق توکل چگونه با عدم مرز بندی در اتحاد با اردوگاه در واقع «اتحاد و همکاری نام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی» را جایگزین «اتحاد و همکاری و همبستگی» با «جریان‌هایی که به گرایش‌های انحرافی روزهیونستی دچار شده‌اند» کرده است. اتحاد بدون نقد و معرط به خط مارکسیستی - لنینیستی با گرایش‌های انحرافی روزهیونستی (۱)

رفیق توکل! با شما مدافع به خط مارکسیستی - لنینیستی نیستید شما آنها بر طبق نظریات جدید نماد یک گرایش انحرافی نیستند. و گرنه اگر شما برای اتحاد با اردوگاه دارای هیچ خط و مرزی نیستید آنها سبب دست بردارند و شما که مدعی یک خط مارکسیستی - لنینیستی هستید ولی برای اتحاد به بلاتفرم شخصی ارائه نمی‌دهید به ناگزیر بلاتفرم همان داردگان «گرایش‌های انحرافی روزهیونستی» را اعفاء خواهید کرد از هم اکنون رد پای آن مشخص شده است بازم به بولتن ۸ بازگردیم و به مقاله رفیق توکل، می‌گوییم: «هم اکنون در مقیاس جهانی مبارزه‌ای سترگ میان دو نیروی عظیم انقلاب و ضدانقلاب جهانی در جریان است.»

نی خواهم بگویم که در مقیاس جهانی مابین انقلاب و ضد انقلاب وجود ندارد اساسی خواهم بگویم کسانی که مبنای تحلیلشان را از تئوری‌های آکادمیسیین‌های اتحاد شوروی و در نتیجه نظریه پردازان حزب توده اقتباس میکنند باید مضمون این «مبارزه سترگ» را مشخص کنند. اردوگاه سوسیالیستی سیاست خارجی مشخصی دارد و آن عبارتست از صلح و همزیستی سالیتم آمیز. «مبارزه سترگ» دیگر عبارتست از رقابت اقتصادی با بلوک امپریالیستی که عنوان مهمترین قلمرو نبرد راهم گرفته است.

نه رفیق توکل! با جارجینال و با مترسک‌سازی از سوسیال امپریالیسم نمیتوانید گریبان خود را رها سازید. هواداری که نه از سر متابعت بلکه از روی اعتقاد و پذیرش تئورها و شما می‌خواهد نوش بدوش اردوگاه سوسیالیسم حرکت کند بالآخره باید بداند که این مبارزه انترناسیونالیستی کجاست؟ ناگفته نماند که بر طبق نظریات جدید شما اردوگاه سوسیالیسم نه تنها هیچگونه انحرافی از انترناسیونالیسم پرولتری نداشته است بلکه این ما یعنی «یگانه خط مارکسیستی - لنینیستی» بود که موضع انترناسیونالیستی را داشت (۲)

اکنون چه باید کرد:

واقعیت اینست که ساخت تفکلاتی ماقبل حزبی و محلی ما از کار

افتاده شده است نه بخاطر یک تازی رفیق توکل در عرصه تئوریک نه بدلیل راست‌زوی ایشان. زیرا که عملکرد ایشان نیز خود محصول آن سیستم بود. فکر نکنید که با حذف مکانیکی این یا آن گرایش و یا واقعاً می‌توانید خط انقلابی را و انترناسیونالیستی را نجات دهید. بنیاد - نگذاری یک سیستم تفکلاتی حزبی تنها کاتالیزور و تکامل است. حتی در یک حزب کمونیست نیز گرایش‌های متفاوت می‌توانند وجود داشته باشند. البته معروط به آنکه مطابق آنچه که در اساسنامه آمده است عمل کنند یک سیاست که سیاست اکثریت می‌باشد را پیش ببرند و بر روی اختلاف نظرات به مبارزه ایدئولوژیک بپردازند. مبارزه‌ای که برای توفیق خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و برای انجام وظایف انقلابی الزام آواراست و اساساً کسانی که بجای درک سیستم موجود بروی نقض افراد در این سیستم انگشت می‌گذارند و بر سر آنکه چه کسی در این سیستم مجری خوبی بوده است مرافقه راه می‌اندازند در واقع در پی احیای سیستم هستند و نه تغییر آن. در پی آنند که سیستم منحل تفکلاتی را با حذف عناصری نجات بخندند. چنین کسانی انحلال سازمان را پیشنهاد کرده‌اند. تقسیم سازمان به مخفل‌های پراکنده را پیشه کرده‌اند. عنوان مبارزه با اپورتونسم راست در واقع سپهر رشد اپورتونسم راست را هموار می‌کنند زیرا که مناسبات بوروکراتیک بهترین بستری مناسب برای رشد اپورتونسم است. حرکت کهنه خارج از کشور در چهار-چوب حرکت در جهت انحلال سازمان قرار دارد زیرا که بر روی بافت تفکلاتی کنونی سر پوش می‌گذارد تا شاید آنها را از انحلال نجات بخند.

ناهد ۲۰ فروردین ۶۶

# ضمیمه سوسیالیسم

## نامه یك رفیق

به نظرات توكل و كیت خارج بر خورد میكند، نکات جدید و مهمی مطرح شده است که تا کنون در ادبیات سازمانی ما وجود نداشته است. بطور مثال در رابطه با نقد نظرات توكل که قبل از هر چیز دیگری مندرج "تجربیدی" و عقاب افتاده وی بنقد کشیده شده است، بدستی مطرح میشود که به منظور داغتن حدله روشن و بهتری از رویزبونم و چگونگی پیدایش آن، ما نباید این پدیده را چون موجودی تلقی الساعه و بسا محمول گردنای غروب و دار و دسته اش بدانیم و با بهتره مسا انحرفات چند ده اخیر را تنها به تعلقنا به های کنگره های ۲۲ و ۲۳ مکتب کنیم. بلکه برای شناختن این پدیده باید "پسینه این احزاب فات و چگونگی حاکم گشتن آن بر ج-ک-ش" را مشخص سازیم. با در جای دیگری که انحرفات در سیاست های خارجی شوروی از انحرفات در سیاست های داخلی (ساختمان سوسیالیسم) منتج شده است، متذکره شد (جدید البته نسبت به "تحلیل" های تاکنونی سازمان) در رابطه با شناختن پدیده رویزبونم و توضیح علل مادی آن مطرح میگردد.

به نظر من هر دوی این نوآوری ها گامهایی بجلو هستند، شما به در موردی اشاره کرده اید که هر مستد علمی در مورد تحلیل از دولت شوروی باید از آنجا آغاز کند. هر چند که متأسفانه در گذشته بحث در باره چنین مواردی جزو تابو ها و ممنوعه ها محسوب می شدند.

اما در مورد تحلیل از نظریات کمیته خارج، در همان حال که بدستی میگویند که "مشخصه کمیته خارج بی خطی است" و معتقد هستند که ماحول نظریات کمیته نسبت به اردوگاه "نهیلم" است. اول اینکه کاربرد چنین واژه ای آنهم در انتهای یک نیتیه طبعا پیش ها و ابهاماتی را بطبیال دارد. منظورم این است که شما ضمن تحلیل تان از نوشته "باز هم اپورتونیست راست" که تحلیل درست و بسو طی از مجموعه تناقضها و احوالات آن نوشته است، به يك پاره در - انتها نتیجه گیری میکنید که نظریات کمیته خارج نسبت به اردوگاه "نهیلم" است و در همین جا نیز به بحثتان عانده میگرد. این اما تنها يك احوال نگینگی میتواند تلقی شود. اما در صورتیکه منظورتان از کاربرد این واژه چیزی جدا از "اجزای منقاد و تناقض" تحلیل و فرق کمیته خارج نسبت به اردوگاه است، بطور مثال اگر به این دلیل است که کمیته اردوگاه را نمی میکنند، و یا در نزد آن - بین حاکم بودن انحرفات رویزبونیستی با حاکمیت رویزبونیست تلاوشی وجود ندارد و یا به هر دلیل دیگری، آن زمان وضعیت فرق خواهد کرد. بخاطر نا روشن بودن این واژه، پرسش من این است که توضیح دهید چرا نظریات کمیته خارج بیانگر نهیلم نظرات و فرق او نسبت به اردو - گاه است.

در مورد ریش یابی علل بحران تا کنون دو نوعه از صند اقلیت

اطلاعه: بر علیه اشغال طلبی و سر مقاله "سوسیالیسم" گزارش به هواداران) منتشر شده است. با اینکه کلمه جرمانات و توکلها و افرادی که دلیل اصلی مشکل بودن خود از دو بخش اشغال طلبی و غیرط باهای انامه فعالیت های خود را در مرز بندی قاطع با مناسبات تفکلاتی بهمین حاکم بر سازمان و نقد همه جانبه آن میدانند، منتی در این زمینه تا کنون نتوانسته اند به این وظیفه اساسی جامعه غسل بهیوانند. به نظر من همه اقلیت نیز که در دو نوعه ذکر شده می کرده است تا حدی به ریشه یابی بحران بهر فائده از این ضعف بهسرا نبوده است. بطور مثال شما در نوشته گزارش به هواداران "عام ترین زمینه بروز بحران" در سازمان را "تضاد ما بین منضمون فعالیت های اعلام شده و ساخت و سهم تفکلاتی" میدانید و در چند خط بعد مطرح میکنید که "واقعیات آنست که بر زمین عام بحران، طی يك دوره سهمین و سبک کار محلی - بوروکراتیک و اشغال طلبانه بر تفکلات حاکمه". قبل از وارد شدن به بحث در این مورد خودتان نیز بهتر میدانید که تحلیل توكل از بحران در سازمان همان است که شما آنرا بعنوان "علم ترین زمینه بروز بحران" شناسائی کرده اید. یعنی اینکه دلیل اصلی پیدایش بحران به این خاطر بود که بیژن اهداف و وظایف تعیین شده ما و ساختار تفکلاتی حاکم بر سازمان و تناقضی زرف وجود داشت. به سخن دیگر، اگر ساختار تفکلاتی ما بگفته ای دیگر بود ما قادر بودیم تا حدی اهداف و وظایف مقرر شده را متحقق سازیم. به نظر این فرقی خطی از اینکه چرا ما نتوانسته ایم وظایف خود را عملی سازیم، چرا هرگز نتوانسته ایم با طبعه کارگر پیوند معنوی با برقرار کنیم و غیره است. ساختار تفکلاتی بهتر (جز بی بطور مثال) سلما می تواند تا حدی مکانیسم های تفکلاتی و رابطه ها، غرایط عضو گیری، گزارش دهی و ... را بهبود بخشد. اما سلما خود به تنهایی نمی تواند چون يك عامل تعیین کننده در مورد اجرای اهداف و وظایف و تاکنیکهای يك سازمان خاص سیاسی مفروض گردد. از این نظر راه حل اساسی نمیتوانست و هنوز نمیتواند تغییر ساختار و سهم تفکلاتی باشد. من عاید فرق تاریخی از مظاهر بویزه مفهوم سهم تفکلاتی دانسته با عم. بنا بر این بهتر است مفهوم این واژه را مشخص سازیم. چشم تفکلاتی اگر خیلی کلی گفته باشیم یعنی مجموعه ای که در بر گیرنده شکل يك تفکلات (جزبی و سازمانی و ...) و کلمه مناسبات و روابطی است که اساسنامه آن تفکلات برای هر يك از ارگانها و بخش آن تعیین میکند. سبک کاره اما، جزئی از سهم تفکلاتی نیست، بلکه متاثر از اهداف، برنامه، تاکنیکها و البته بهر حاکم است، گنه خود ضمن مملکرد يك سازمان طی دوره ای بوجود می آمده و می تواند تعیین کند. بنا بر این با تغییر سهم تفکلاتی، تنها مکانیسم های روابط بین ارگانها و ... بیشتر جلوگرم و معخص میشود، اما بخودی خود هیچ تاثری بر بحران واقعا موجود بر يك سازمان نمی تواند بگذارد. بعین ترتیب تحلیل های ما در رابطه با دلیل یا دلایل بحران

# فصلنامه سوسیالیسم

## نامه يك رفیق

روند رعایت نشده است. برای مثال برای بسیاری از هواداران سازمان و حتی افراد عادی مشخص نیست که هدف از انعقاد این نفره چیست. آیا "سوسیالیسم" نفره جریانی است که با طرح نظرات خود میسر دارد و طبقه سازمان نمی و نهایتاً بر پائی يك سازمان سیاسی استوار کند؟ آیا "سوسیالیسم" نفره‌ها و استبراهای آن دسته از هواداران سازمان است که از طریق آن می‌توانند وارد مبارزه ایدئولوژیک شوند. منظور دست‌یابی بیک نظریه منجم برای تشکیل يك سازمان عودت و یا اینکه "سوسیالیسم" نفره‌های استمرفا برای پیگیری مبارزه ایدئولوژیک در میان کمونیست‌ها و ایرانی است. همه این بررسی‌ها در مورد "سوسیالیسم" وجود دارد: تنها جایی که به این مورد اشاره شده است کلی اشاره شده است. نطفه کوتاه پست‌منفعه (بمعناست افتقار اولین شماره "سوسیالیسم") است که در آن گفته شده است که "سوسیالیسم" از شماره آینده در کنار بررسی بهترین سایل جاری و سایل مربوط به سازمانی و بیک کاره نظرات هسته اقلیت را در رابطه با اساسی ترین سایل مورد معاجره در سطح جنبش منعکس خواهد کرد. مسلماً این کلی گویی نمی‌تواند پاسخگوی سئوالهای متعددی باشد که در مورد نفره "سوسیالیسم" مطرح است. در هر صورت صلاح بر آن است که این نصف اساسی در کوتاه مدت بر طرف گردند و همه ابهامات از بین بروند.

اما در مورد اینکه هسته اقلیت از اعلام موجودیت خود چه هدفی را دنبال می‌کند بار دیگر تاروفعی وجود دارد: شاید به این دلیل است که "سوسیالیسم" نیز نتوانسته است اهداف خود را محسوس کند. در شرایط کنونی انتظار طبیعی کلیه هواداران و نیروهای سازمان مکه بعد از انعقاد اخیر از هیچک از طرفین انحلال طلب دفاع نمی‌کند. این است که نهایتاً بتوانند در راستای متفکر نگه داشتن و فعال کردن خود نمایند. هدفمندی را انجام دهند. انعقاد يك نفره مبارزه ایدئولوژیک که بتواند بر سر سایل مورد اختلاف وارد بحث و تبادل نظر عوده بهترین گام و با شاید تنها گام ممکن باشد. این خواسته هم اکنون در سطح هواداران مطرح شده است. هر چند که گام عملی در این راستا تا کنون برداشته نشده است. اما معنی نیست هسته اقلیت برای انجام این مهم، یعنی بوجود آوردن شرایط و ابزار لازم برای پیگیری مبارزه ایدئولوژیک دراز مدت و سالم چه اقداماتی در نظر دارد.

مسلماً رفقا آموخته نخستین ما بعد از بهتسر گذاشتن تجربه‌ها و پختن، این است که تا آنجا که می‌توانیم به بیکر ایتک ترین مکتب سکن کار کنیم. اگر قرار شده است کار مثبت و دراز مدتی صورت گرفته اگر تصمیم داریم همین یک جریان فترتمند در سطح جنبش کمونیستی ایران مطرح کنیم، باید قادر باشیم و اعتقاد داشته باشیم که با اتخاذ يك روش کار صحیح و شرایط لازم را برای پیگیری برخی از اهداف ضروری می‌توانیم. بعنوان مثال اگر قرار شده است هسته اقلیت در گام اول نیروهای برانگیزه سازمان را متفکر کند، باید قبل از هر اقدام دیگری نقطه نظرات و خواسته‌های آنان را مد نظر قرار دهد.

نی تواند به این محدود، کوچک ختم عود. شاید می بایست دنبال دلایل اساسی تری گشت. شاید دلایل مختلف بازی‌های مکرر و مکرر مرکب است سازمان را آنطور که شما همین يك بختك غلی الساعه بر سازمان ارزیا- بی می کنید (طی يك دوره سبتم و بیک کار محفلی - بوروکراتیک و - انحلال طلبانه بر تشکیلات حاکم خند؟) باید در کمبودها و ضعفها و اس خری بون عدم پیوند با طبقه وجود بینشهای عقب افتاده در سطح رهبری، نداعتن درک صحیحی از مفهوم سائترالیسم دیکراتیک و ..... جستجو نمود. در هر حال نقد ما بر گذشته بیوزنه تا آنجا که به بحران تشکیلاتی سازمان مربوط معوده، باید نقدی جامع و فراگیر باشد. تا هر حرکتی در آینده بتواند بر شالوده محکم و استواری بنا شود.

در مورد برخورد به نظریه توکل در مورد حزب توده که سومین - مطلب مهم نفره "سوسیالیسم" است، ضمن تأیید نوعی تنها یک بررسی مطرح است که البته به مقاله ارزهایی از وضعیت کنونی (متحدین بورژوازی) باز می‌گردد. پرسش این است که در گذشته و برای اولین بار در بولتن ۲، توکل تلاش داشت سیاستهای ضد انقلابی حزب توده و - نظریات تند مارکسیستی این حزب را از انحرافات و نظریات حاکم بسیر ح - ک - م جدا کند. مقاله "متحدین بورژوازی" هر چند نمی‌تواند ماهیت طبقاتی حزب توده را در جامعه ایران مورد عفتاسی قرار دهد اما به این مسئله یعنی پیوند دادن نظرات و سیاستهای حزب توده و - ح - ک - م اشاره ای نمی‌کند. آیا هسته اقلیت همین توکل معتقد به جدا کردن این دو از یک دیگر است یا اینکه سیاستها و عملکردهای حزب توده را در انطباق با انحرافات و مبرهنیستی حزب کمونیست شوروی ارز یا می بیند؟

## بخش دوم: در مورد هسته اقلیت "سوسیالیسم"

نفره "سوسیالیسم" با بحث بر سر برخی از مطالب مهم کار خود را آغاز کرده است. طرح برخی از موارد سوزد اختلاف در شماره نهم (بشرطی که ادامه پیدا کند) و طرح برخی از نظریات جدید آغار خوبی می تواند برای ادامه کاری "سوسیالیسم" بعنوان يك نفره مارکسیستی تلقی شود. اما در رابطه با جنبش نبودن اهداف نفره و نقاط مبهم آن، ضعف‌های عمده‌ای وجود دارد. اول اینکه هر نفره در شماره - نهم خود باید اهداف را مشخص سازد. این روند طبیعی هر نفره است. ارکان جدیدالتاسیس است. بنابراین در رابطه با "سوسیالیسم" این

## نامه یك رفیق

سفی جداگانه است که باید بدان پاسخ گفت. اما خانواده هسته اقلیت  
فرد سازمانی و ایجاد يك تفکلات سراسری را در سر فائده یا همزیسته  
سازمانی در خارج از کشوره توجه خاصی میندول دارد. در گذشته همیشه  
دلیل حاکم بودن بینی های عقب افتاده هرگونه سازمانی و بهای دادن  
به هواداران و فعالشاهان، تحت عنوان "خارجه نمین" و "خمسره ه  
سین مینده و از این طرف جزئی ترین حقوق و خواسته های هواداران  
زیر پا گذاخته مینده. این بینهای عقب افتاده که از مدتها پیش از -  
سوی کلبه هواداران مردود شناخته شده است، نمیتواند مورد پذیرش -  
جریانی باشد که ظاهراً قصد دارد با تمامی اشکال و مظاهر نامصحیح  
گرفته مرز بندی نماید و روشی دایته باشد. از این نظر به این بخش  
از کار باید با دهدی یا زتر و جدی تر نگریده و اهمیت درخورد را است  
مینول دایته. در همان حال که سازمانی و فعالیت در خارج از کشور  
بنا به اهمیت در غریب کثونی، باید به منابه یکی از مهمترین  
وظایف، دستور کار قرار گیرد.

با توجه به شکست برافشاده، من جدا اعتقاد دارم خانواده غریب  
مناسب برای يك کار جمعی آماده باشد. هسته اقلیت میتواند مهمترین  
بخش و مهمتری را بخود جلب کند. این شرایط در عام ترین وجه خود می  
تواند در ممتد بودن به کار جمعی و رعایت حقوق دمکراتیک (البته  
در چارچوب يك ضابطه مشخص و مورد توافق) خلاصه شود. اینکه در را -  
سنای تحقق بخشیدن به این خواسته ها چگونه باید گام برداشت و بستگی  
به ایجاد مکانیسم هائی دارد که از طریق آن برای بحث و تبادل نظر  
حول این خواسته ها باید اقدام کرد.

بهروز باشید

محمد - لندن ۱۹۸۲/۸/۱۰

منتقد ساختن آنان اقدامات لازم را محلی سازد. مبارزه ایدئولوژیک  
که يك خواسته اساسی و میرم در بین کلبه نیروهای سازمان در غریب  
کثونی است، باید از سوی رفقای هسته اقلیت محلی محلی جدی گرفته  
شود. و این امر به طرفی منتقد گردد. این میتواند در نمره -  
"سوسالیم" باشد و یا در جای دیگر. مهم این است که تا زمانی که  
این اقدام اساسی به طور وسیع و همه جانبه صورت نگیرد، تا زمانیکه  
تبادل نظر سالم و آزاد جایگزین روشهای پوسیده پدیدین چون سرکوب -  
نظرات مخالف، برچسب زدن و مانند اینها نموده و امولاتا هنگامیکه  
این اعتقاد در ما بوجود نهد که این نتیجه تلاقی نظرات و تبادل -  
افکار از طریق يك مبارزه ایدئولوژیک است که در تحلیل نهایی می  
تواند خلوط کلی حرکت ما را تعیین کند. هر حرکتی میتواند تنها آزمون -  
دن آزموده تلفی نمود. بدین جهت رفقای هسته اقلیت که با حسن نیت  
کار خود را آغاز کرده اند بهنگام ضمن بازنگری به گفته می دارند  
تجرباتی مینباید در روش کار خود بوجود آورنده باید به امل پیشبرد  
مبارزه ایدئولوژیک سالم در میان نیروهای سازمان، چون اولین گام  
در راستای يك کار دراز مدت، توجه فانی میندول دارند. و گرنه هر  
کوششی در جهت سازمانی نیروها حول نظرات تعیین شده، نمیتواند راه  
حل درست و اصولی برای دست یافتن به يك تفکلات اصل مارکسیستی  
قلمداد شود.

پذیرفتن اصل مبارزه ایدئولوژیک برای شروع يك کار دراز مدت -  
تواند بخودی خود باسنگوی همه پرسشها و مطالباتی باشد که طبعا  
در طی روند کار بوجود می آید. از این نظر لازم است کتفحاتی از نمره  
"سوسالیم" برای درج نامه ها، انتقادات و پاسخ به سئوالات مطرح  
شده اختصاص یابد. اهمیت این کار افزون بر اینکه وسیله خوبی برای  
برقراری يك رابطه منطقی بین "سوسالیم" و خوانندگان آن است،  
بلکه در روند آشنا شدن هسته اقلیت با نظرات و انتقادات خوانندگان  
میتواند به مکانیسم مناسبی برای بوجود آوردن رابطه نزدیک تر با  
افراد پراکنده، تبدیل گردد. چنانچه نمره "سوسالیم" به این  
کسب و باسنگو تبعاعده طبیعی است یکی از بهترین فرصت ها برای نزدیک  
کردن و متفکک کردن هواداران پراکنده سازمان (آنها هر غریب که  
بخش وسیعی از هواداران سازمان به دلیل عدم حمایت از دو جریان -  
انضامی و چهار انفعال و سردرگمی هستند) از دست خواهد رفت.  
نکته فانی نوشته من به ضرورت کار و سازمانی در خارج از -  
کشور اختصاص دارد. این نکته که هسته اقلیت با اعلام موجودیت خود  
و انتشار نمره "سوسالیم" چه هدف خاصی را دنبال میکند خود پر -